

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام

فرج الله میرعرب*

اشاره

جامعه در نگرش اخلاق اسلامی، یک خانواده است که همه اعضای آن مراقب احوالات هم هستند و خود را در برابر مشکلات و نگرانی های اعضای آن مسئول می دانند. در اخلاق اسلامی، اعضای خانواده با «مواسات» غمخوار، همدرد و دغدغه مند یکدیگرند که به این رفتار بسیار سفارش و توصیه شده است.

مواسات از ریشه «أسو» به معنای بخشیدن از مال خود و شریک کردن دیگران در داشته های خود است. مواسات از نظر مالی، زمانی است که شخص از کفاف (مورد نیاز) خود به کسی ببخشد؛ بنابراین اگر کسی افزون بر نیاز و کفاف خود داشته باشد و از آن به کسی بدهد، با اینکه نیکی و بخشش کرده است، مواسات نیست.^۱ مواسات در جامعه اسلامی همان است که رسول خدا ﷺ فرمود: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ: مُؤْمِنَانِ مِنْهُ مِنْ مَهْرُورِزِي وَعُطُوفَةٍ فِي بَرَابَرِ يَكْدِيْغَرٍ مَانِدٍ يَكُ جَسَدٍ وَجَسْمٌ هَسْتَنَدُ كَهَرْكَاهِ عَضْوِيْ مِنْهُ دُجَارُ دَرْدٍ شُودُ وَازِ آزارِي بِنَالِدٍ، دِيْكَرِ اَعْضَا [از راه تب و بیداری و ناراحتی] همدردی خود را با آن عضو ابراز می کنند و به کمکش می شتابند».^۲

بنابراین انسان «مواسی» کسی است که با دیگران همدردی و همراهی دارد و در رنج و غم

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲. محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۲۲۷.

دیگران واقعاً و با تمام وجود شریک است و با مال و جان از آنها دفاع می‌کند و میان خود و دیگران فرقی نمی‌گذارد. رهبر معظم انقلاب، مواسات را همراهی و کمک به مؤمنان در همه امور می‌داند^۱ و در بیانی مقصود خود را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن، به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسان‌هایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر اینکه یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است».^۲

سعدی نیز گفته است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۳

اخلاص در مواسات

عمل ارزشمند مواسات همانند همه اعمال خیر باید برای رضای خدا انجام شود، وگرنه ارزشی ندارد. امام صادق علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَمَوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: آقای اعمال [سه چیز است]: ۱. مراعات انصاف در ارتباط با مردم از جانب خود؛ ۲. مواسات با برادران در راه خدا و برای رضای او؛ ۳. یاد خدای عزوجل در همه احوالات».^۴

مواسات و دغدغه‌مندی رنج دیگران در قرآن

خداوند متعال در قرآن، همه مؤمنان را با هم برادر می‌خواند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۵ و در تکمیل این رهنمود می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْزُومِ»؛^۶ یعنی

۱. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۲. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۱/۹/۱۵.

۳. مصلح‌الدین سعدی، گلستان، باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۱۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۵. حجرات: ۱۰.

۶. معارج: ۲۴ - ۲۵.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۳

نمازگزاران واقعی کسانی هستند که نیازمندان درخواست‌کننده و محرومانی که توان سؤال ندارند، از دارایی آنان بهره و نصیبی دارند.

بنابراین سیرکردن گرسنه و همراهی با نیازمندان بر هر دارا و متمکنی واجب است. آیت‌الله جوادی آملی نوشته‌اند: «حال اگر کسی به تنهایی از گرسنگی تهیدستی باخبر بود، بر او واجب عینی است و اگر دیگران نیز بدانند، بر همه واجب کفایی است».^۱

اقسام مواسات

مواسات را به چند دسته کلی می‌توان تقسیم کرد؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَتُوا الزَّكَاةَ: زَكَاتٍ دَهْدٍ»،^۲ این دستور را برای مواسات و همدردی با نیازمندان دانسته‌اند و فرموده‌اند: «مِنَ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَقُوَّةِ الْبَدَنِ: زَكَاتٍ رَأَى مِنْهُ بَدَنُ الْفَقِيرِ».^۳ امام حسن عسکری علیه السلام اقسام مواسات را در ادامه سخن خود توضیح داده‌اند که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. مواسات در مال

حضرت عسکری علیه السلام در توضیح بیشتر و تبیین مصادیق می‌فرمایند: «فَمِنَ الْمَالِ مُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ: زَكَاتٍ مَالِيٍّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَكُونُ لِمَنْ يَحْتَاجُهَا مِنْ إِخْوَانِكَ».

۲. مواسات با آبرو و موقعیت اجتماعی

امام حسن عسکری علیه السلام درباره مواسات با آبرو فرموده‌اند: «وَمِنَ الْجَاهِ إِيصَالُهُمْ إِلَى مَا يَتَّقَا عُسْرَ عَنَتِهِ - لِيُضْفِعَهُمْ عَنْ حَوَائِجِهِمُ الْمُتَرَدِّدَةِ فِي صُدُورِهِمْ: زَكَاتٍ مِنْ آبرُوٍّ وَمَقَامٍ اجْتِمَاعِيٍّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَكُونُ لِمَنْ يَحْتَاجُهَا مِنْ إِخْوَانِكَ».

۳. مواسات با قدرت بدنی

امام عسکری علیه السلام قسم سوم مواسات را در حمایت با قدرت بدنی از ضعیفان دانسته‌اند: «وَبِالْقُوَّةِ مَعُونَةُ أَخٍ لَكَ قَدْ سَقَطَ حِمَاؤُهُ - أَوْ جَمَلُهُ فِي صَحْرَاءٍ أَوْ طَرِيقٍ، وَهُوَ يَسْتَغِيثُ فَلَا يَغَاثُ تُعِينُهُ حَتَّى

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲. بقره: ۴۳.

۳. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۶۴.

۴. همان، ص ۳۶۵.

يَحْمِلَ عَلَيْهِ مَتَاعَهُ، وَ تُرْكِبُهُ [عَلَيْهِ] وَ تُنْهَضُهُ حَتَّى تُلْحَقَهُ الْقَافِلَةُ: زکات نیروی بدنی آن است که مؤمن به برادر ایمانی که توانایی خود را در حمل بارش [به عللی] از دست داده یا از قافله باز مانده است و ندا به فریادرسی بلند کرده، کمک کند تا او را به مقصدش برساند.^۱

جایگاه مواسات مالی در میان بخشش‌ها

یاری‌رساندن به دیگران دارای سه مرتبه است که هر یک عنوان خاص و ارزش متفاوتی دارد: ۱. کمک به نیازمندان از افزون بر نیاز خود؛ این نوع کمک، «انفاق»، «صدقه»، «سخاوت»، کرامت و امثال اینها نامیده می‌شود.

۲. شریک‌کردن نیازمندان با خویش و سهم‌کردن آنها در آنچه خود بدان نیازمند است؛ این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود.

۳. واگذاری همه آنچه خود بدان نیاز دارد به دیگران؛ این نوع کمک‌رسانی از بالاترین ارزش‌های اخلاقی برشمرده می‌شود و «ایثار» نام دارد.

مواسات و همدردی با مردم، دغدغه امام مجتبی علیه السلام

امام صادق علیه السلام تأکید نموده‌اند که در زمانه امام حسن علیه السلام، کسی چون ایشان دغدغه یاری‌رسانی به مردم را نداشته است.^۲ این ویژگی امام حسن علیه السلام به اندازه‌ای در صفحات تاریخ برجسته شده است که حتی در منابع اهل سنت بر آن تأکید می‌شود؛ چنان‌که ابن عساکر و سیوطی به تجلیل از حضرت به دلیل برخورداری از صفت بخشندگی و مواسات پرداخته‌اند.^۳ بر همین اساس از امام حسن علیه السلام در جایگاه کریم اهل بیت علیه السلام یاد می‌شود.

نمونه‌هایی از مواسات امام مجتبی علیه السلام با مردم

امام حسن مجتبی علیه السلام بسیار بخشنده بودند و برای رفع مشکلات مردم و کمک به نیازمندان و بدعکاران تلاش بسیاری کرده‌اند. ایشان به این حد نیز قانع نبودند و در طول زندگی دو مرحله تمامی ثروت و اموال خود را میان فقر و تهیدستان تقسیم کردند. حضرت تمام توان خویش را در

۱. همان.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۴۴.

۳. ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ جلال‌الدین سیوطی، تاریخ خلفاء، ص ۱۸۹.

راه انجام امور نیک و خدایسندانه و مواسات با نیازمندان به کار می‌گرفت؛ به دلیل همین بخشندگی‌ها و کارهای نیکی که از سوی ایشان انجام می‌گرفت، آن حضرت را «کریم اهل بیت» لقب داده‌اند.^۱

در سبک زندگی این کریم زیباخصال، رفع نیاز فقیران و همراهی و همدردی با آنان در رفع مشکلات چنان مهم بود که فرموده‌اند: «گرامی‌ترین و باشخصیت‌ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان کمک کند».^۲

نمونه‌های عملی اقدامات مواساتی امام علیه السلام

۱. پشتیبانی از فقیر تا رفع فقر

شخصی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و عرض کرد: ای فرزند امیر مؤمنان، تو را به خدایی که به شما نعمت فراوان داده، به فریاد من برس؛ دشمنی ستمکار دارم که نه حرمت پیران را پاس می‌دارد و نه به خُردی صغیران رحم می‌کند. امام علیه السلام که تکیه داده بود، با شنیدن این سخن [چنان حالی پیدا کردند که] نشستند و فرمودند: «کیست این دشمن تا داد تو را از او بگیرم؟» او گفت: دشمن من فقر است. امام علیه السلام اندکی سر به زیر افکند و سپس سر برداشت، به خدمتکار خود فرمود: «آنچه مال نزد تو موجود است، بیاور». خدمتکار پنج هزار درهم آورد و به دستور امام علیه السلام به آن مرد داد. پس از رفع مشکل آن شخص، امام علیه السلام به او فرمود:

«بِحَقِّ هَذِهِ الْأَقْسَامِ الَّتِي أَقْسَمْتُ بِهَا عَلَيَّ مَتَى أَتَاكَ خَصْمُكَ جَائِرًا إِلَّا مَا أَتَيْتَنِي مِنْهُ مُتَظَلِّمًا: به حق آن سوگندهایی که مرا به آنها سوگند دادی، هرگاه بار دیگر این دشمن ستمکارانه به تو حمله کرد، نزد من بیا و از ظلم او دادخواهی کن».^۳

این رفتار نشان می‌دهد امام حسن علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم را همچون مشکل خود می‌پنداشتند و با تمام توان در پی رفع آنها بودند. از دیدگاه اخلاق اسلامی، این رفتار نهایت مواسات است.

۲. اهمیت دادن به آبروی نیازمند

به‌روشنی مشخص است که فرد نیازمند آبرومند در هیچ شرایطی حاضر نیست آبروی خود را با

۱. باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن علیه السلام، ص ۱۳۵.

۲. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۰.

عرض حاجت نزد دیگران خدشه‌دار کند؛ از این‌رو در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام اگر کسی حاضر به اظهار نیاز نزد آنان می‌شد، مراقب آبروی او بودند و از آسیب به شخصیت او پیشگیری می‌کردند. بر اساس همین سبک زندگی، کریم اهل بیت علیهم‌السلام برای اینکه با نیازمندی که از ایشان کمک خواسته بود، رودرو نشوند و او شرم‌نده نشود، فرمود: «آنچه می‌خواهی را در نامه‌ای بنویس و برای ما بفرست تا نیازت برآورده شود». آن مرد نیازهای خود را در نامه‌ای نوشت و برای امام علیه‌السلام فرستاد. حضرت نیز آنچه را خواسته بود، برایش فرستاد. شخصی که در آنجا حضور داشت، به امام عرض کرد: «به‌راستی چه نامه پربرکتی برای آن مرد بود». امام در پاسخ او فرمود: «برکت این کار برای من بیشتر بود که سبب شد شایستگی انجام این کار نیک را داشته باشم؛ زیرا بخشش راستین آن است که بدون درخواست شخص، نیازش را برآوری؛ ولی اگر آنچه خواسته است را به او بدهی، درواقع قیمتی است که برای آبرویش پرداخته‌ای»^۱.

۳. رفع مشکل بدون درخواست

امام حسن علیه‌السلام درد جامعه داشت و مراقب بود در حد توان رنج مردم کم شود. روزی امام حسن علیه‌السلام در مسجدالحرام نشسته بود که متوجه شد فردی در مناجات خود از خداوند می‌خواهد ده‌هزار درهم روزی او کند. امام علیه‌السلام با شنیدن نیاز او، گویا خودش به مشکل برخوردده است؛ از این‌رو بی‌درنگ برخاست، به خانه رفت، ده‌هزار درهم فراهم کرد و برای آن مرد فرستاد. آن مرد پول را گرفت و مشکل خود را رفع کرد، بدون آنکه بداند چه کسی برای او این همه پول را فرستاده است.^۲

۴. خروج از حال عبادت برای رفع نیاز مردم

ابن عباس از صحابه پیامبر و از یاران امام حسن علیه‌السلام می‌گوید با امام حسن مجتبی در مسجدالحرام معتکف بودیم. در همان حال اعتکاف، طواف خانه کعبه انجام می‌دادیم که یکی از شیعیان و دوست‌داران حضرت خدمت ایشان آمد و گفت: من طلبکاری دارم که تهدید کرده اگر بدهی مرا ندهی، تو را به حبس خواهیم انداخت و من هم پولی ندارم. ابن عباس می‌گوید: امام حسن طواف را رها کرد و قصد خارج شدن از مسجدالحرام کرد؛ رو به امام کردم و گفتم: فراموش کردید که شما معتکف هستید و نمی‌توانید از مسجدالحرام خارج شوید. ایشان فرمود:

۱. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۵.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۱.

«متوجه هستیم که در حال اعتکاف، اما از جدم رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: هر کسی حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کند، مانند آن است که خدای بزرگ را نه هزار سال عبادت کرده است، درحالی که روزها را روزه و شبها را به عبادت پرداخته است».^۱

این نوع دل‌سوزی نشان می‌دهد در اندیشه امام مجتبی علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم، گرفتاری خود ایشان بود و ایشان برای رفع رنج و غصه مردم هیچ نوع کوتاهی را روا نمی‌دانستند.

۵. مواسات و همراهی بر اساس نوع نیاز

روزی خلیفه سوم در مسجد مدینه نشسته بود که مرد فقیری وارد نزد او رفت و درخواست کمک کرد. عثمان به او پنج درهم داد. آن مرد نگاهی به سکه‌ها کرد و گفت: «مرا نزد کسی راهنمایی کن [که کمک بیشتری کند]». عثمان او را نزد امام مجتبی علیه السلام فرستاد که همراه حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر نشسته بودند و گفت: نزد آن چند جوان برو و از آنها کمک بخواه. فقیر نزد آنها رفت و نیاز خود را بیان داشت. امام حسن علیه السلام برای نمایاندن جنبه‌های تربیتی بخشش، از مرد پرسید: «إِنَّ الْمُسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دِمٌّ مُقْجِعٌ أَوْ دَيْنٌ مُقْرِحٌ أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ؟» کمک‌خواستن از دیگران، تنها در سه مورد رواست: ۱. خون‌بهایی به گردن انسان باشد [و توان پرداخت آن را نداشته باشد]؛ ۲. بدهی سنگینی داشته باشد [و از عهده پرداخت آن برنیاید]؛ ۳. در مانده‌ای باشد [که دستش به جایی نرسد]. تو کدام‌یک از این سه دسته هستی؟»

مرد فقیر سبب نیازمندی خود را بیان کرد. امام حسن علیه السلام پنجاه دینار طلا به او بخشید. امام حسین علیه السلام به پیروی از ایشان و نیز رعایت جایگاه امامت، ۴۹ دینار و عبدالله بن جعفر نیز با همین انگیزه ۴۸ دینار به او کمک کردند. عثمان با دیدن این جریان گفت: این خاندان، کانون علم، حکمت و سرچشمه همه نیکی‌ها هستند.^۲

این رفتار نشان می‌دهد مواسات و همراهی حقیقی باید به رفع کامل مشکل نیازمند بینجامد، نه آنکه چون روش خلیفه، با کمک ناچیز او را آواره خانه‌ها کنیم و واداریم نزد افراد متعدد دست نیاز دراز کند و آبرویش را بر باد دهد.

۶. مواسات با برادر در اهدای فرزند برای شهادت

امام مجتبی علیه السلام نه تنها به فکر همدردی با نیازمندان و رنج‌دیدگان بود، بلکه در حیات خود به فکر

۱. عزیزالله عطاردی، مسند الامام المجتبی، ص ۶۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۳.

روز تنهایی و بی‌یآوری برادرش حسین علیه السلام نیز بود. او ده سال قبل از فرارسیدن عاشورا، نامه‌ای به فرزندش قاسم داد تا در کربلا بتواند با برادرش مواسات کند و در کنار او باشد. حضرت قاسم که نوجوان بود، در عاشورا از عمویش حسین علیه السلام خواست به او نیز مانند علی اکبر علیه السلام اجازه دهد تا او را کمک کند و جانش را فدای عمو جاننش کند، اما امام حسین علیه السلام قبول نکرد. او بسیار ناراحت شد و گریه کرد که چرا یاران و پسران عمویش شهید شدند، ولی من محروم مانده‌ام؛ به‌ناگاه یاد نوشته‌ای افتاد که پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام به بازویش بسته و فرموده بود: «هرگاه بسیار غمگین شدی، آن را باز کن و بخوان و به آنچه در آن نوشته شده است، عمل کن». او با خود گفت سال‌ها از عمر من گذشته و هرگز چنین ناراحت و غمگین نشده‌ام؛ پس نوشته را از بازوی خود باز کرد و در آن خواند:

«فرزندم قاسم، تو را سفارش می‌کنم هرگاه در کربلا دیدی که دشمنان، عمویت حسین علیه السلام را محاصره کرده‌اند و قصد جان او را دارند، لحظه‌ای درنگ نکن و با دشمنان خدا و دشمنان رسولش جهاد کن و از ایثار جان خویش دریغ مکن. اگر عمویت به تو اجازه رفتن به میدان رزم نداد، التماس و اصرار کن تا رضایت و اجازه او را به دست آوری و سعادت و خوشبختی همیشگی را برای خود تأمین کنی».

حضرت قاسم پس از خواندن نامه، سریع از جای خود برخاست و شتابان به سوی عموی مظلومش امام حسین علیه السلام آمد و با گریه، آن نوشته را تقدیم عمویش کرد. چون امام حسین علیه السلام گریه ملتسمانه برادرزاده و نوشته برادر خویش را مشاهده کرد، گریست و سپس نفس عمیقی کشید و فرمود:

«برادرزاده عزیزم قاسم، این سفارش پدرت را می‌پذیرم»؛ آن‌گاه او را نزد عون - پسر عمه‌اش - و عمویش حضرت ابوالفضل العباس برد. از آنجاکه زره و کلاه خود به اندازه او نبود، از خواهرش زینب پیراهنی تمیز گرفت و بر اندام قاسم پوشاند و عمامه‌ای بر سرش بست و بعد از آن، او را روانه میدان کرد.

حضرت قاسم مقابل فرمانده لشکر عمر سعد رفت و بانگ زد: آیا از غضب و خشم خدا نمی‌ترسی که با عمویم حسین علیه السلام چنین کارزار می‌کنی؟! آیا از رسول خدا شرم و حیا نمی‌کنی؟! عمر سعد ملعون گفت: مطیع امر یزید شوی تا از شما دست برداریم.

حضرت قاسم فرمود: خداوند تو را بدبخت کند، تو چگونه مدعی اسلام هستی، درحالی‌که با آل رسول جنگ می‌کنی؟!

قاسم که از پندپذیری آنان ناامید شد، به لشکر حمله کرد و عده‌ای را به هلاکت رسانید؛ اما

آنان اطراف وی را محاصره کردند و هر کسی ضربه‌ای از تیر، شمشیر و سنگ بر آن نوجوان عزیز زد که در نهایت به فیض شهادت نایل آمد.^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳. _____، ترجمة الإمام الحسن عليه السلام، تحقیق: محمدا باقر محمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۰ ق.
۴. بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعاجز، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۵. بیهقی، ابراهیم، المحاسن و المساوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مؤسسه اسرا، ۱۳۸۹ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۸. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام المجتبی، تهران: عطارد، ۱۳۷۳ ش.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالعلم، [بی تا].
۱۰. قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عليه السلام، ترجم: فخرالدین حجازی، تهران: بعثت، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. مجلسی، محمدا باقر، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. منسوب به امام حسن عسکری عليه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری عليه السلام، قم: مدرسه امام مهدی عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۳۶۶-۳۶۷، ح ۹۳۱.